



شرایط دشوار تبلیغ در زمان امام حسن عسکری(ع) / سامرا به چه معناست؟

حضرت امام هادی و امام حسن عسکری (ع) بخاطر شرایطی که داشتند همه کس را نمی توانستند بپذیرند. لذا ارتباط آن حضرت با شیعیان با نامه ها صورت می گرفت و نامه ها رد و بدل می شد.

حضرت امام هادی و امام حسن عسکری (ع) بخاطر شرایطی که داشتند همه کس را نمی توانستند بپذیرند. لذا ارتباط آن حضرت با شیعیان با نامه ها صورت می گرفت و نامه ها رد و بدل می شد.

خبرگزاری مهر، دوران عمر ۲۹ ساله امام حسن عسکری (ع) را به سه دوره تقسیم کرد. دوره اول ۱۳ سال است که زندگی آن حضرت در مدینه گذشت. دوره دوم ۱۰ سال در سامرا قبل از امامت بود و دوره سوم نزدیک ۶ سال امامت آن حضرت است امام حسن عسکری (ع) از شش سال دوران امامت خود، سه سال را در زندان گذراند.

امام حسن عسکری (ع) در عمر کوتاه خود و در مدت شش سال امامت و ریاست روحانی اسلامی، آثار مهمی از تفسیر قرآن و نشر احکام و بیان مسائل فقهی و جهت دادن به حرکت انقلابی شیعیانی که از راههای دور برای کسب فیض به محضر امام (ع) می رسیدند بر جای گذاشت.

به مناسبت شهادت امام حسن عسکری(ع) برای بررسی بیشتر شرایط حاکم بر دوران آن امام بزرگوار با حجت الاسلام محمد جواد طبسی و حجت الاسلام حامد کاشانی به گفتگو نشستیم.

نامه های امام حسن عسکری به شیعیان

زمان امام حسن عسکری(ع) شرایط بسیار سختی بوده است. مسئله مکاتبات در زمان امام هادی و امام حسن عسکری (ع) بسیار زیاد بود

حجت الاسلام طبسی استاد حوزه در مورد شرایط دوران امام حسن عسکری و نامه های آن حضرت به شیعیان گفت: زمان امام حسن عسکری(ع) شرایط بسیار سختی بوده است. تقریباً همان شرایط پدرشان امام هادی را داشته بعلاوه مشکلات عدیده دیگری نیز مطرح بوده است. مسئله مکاتبات در زمان امام هادی و امام حسن عسکری (ع) بسیار زیاد بود. مکاتبات امام هادی و امام حسن عسکری(ع) به شیعیان مخصوصاً به قمی ها نکات زیادی داشته است.

وی افزود: امام حسن عسکری(ع) که غالب ایامی که دوران امامتشان بود در زندان سپری شد در زمان آزادی و از زندان نامه هایی به شیعیان فرستادند. از جمله این نامه ها، به احمد بن اسحاق است که آن زمان نماینده مردم در قم بود. حضرت امام حسن عسکری راجع به تولد امام زمان در این نامه بشارت دادند و همچنین به ایشان گفتند این مژده فعلاً نزد تو مکتوم بماند. یعنی به کسی خبر ندهید.

طبسی یادآور شد: امام عسکری می فرماید علیرغم اینکه دشمنان می خواستند مرا را بکشند تا این نسل طیب و طاهر به دنیا نیاید فرزندم به دنیا آمد. یکی از نامه ها این چنین بود.

این پژوهشگر مسائل دینی ادامه داد: بعضی از نامه ها حتی به صورت علنی هم نبود. این طور بود که حضرت چوبدستی ای در خانه داشتند که داخل چوبدستی خالی بوده و گاهی وقت ها حضرت برای بعضی از شیعیان نامه می نوشتند و بارساندن این چوبدستی توسط نامه رسانان یا پیشکارش، نامه را بدست شیعیان می رساندند. این پیشکار می گوید چوبدستی را از طرف امام بردم، در بین راه دیدم که شخصی چند گوسفند همراه دارد که آنها را بطرفی می برد. بعد می گوید به من گفت اینها را به این سو راهنمایی کن. من چوبدستی را برداشتم و به این گوسفند زدم یک دفعه دیدم چوبدستی دو تا شد و مقداری از نامه ها از داخل چوب بیرون افتاد. گفت فوراً اینها را جمع و جور کردم و به اصحاب رساندم. وقتی برگشتم امام بسیار ناراحت شد فرمود چرا چنین و چنان کردی، بعد معلوم شد که حضرت در این چوبدستی نامه هایی می گذاشته که به دست اصحابش برساند. خلاصه از بین نامه های فراوانی که از حضرت می نوشتند، بسیاری از این نامه ها برای قم بود. تا زمان مرحوم صدوقنامه ها نزد ایشان بوده اما بعد از فوت مرحوم صدوق، گم شده است و هیچ یک از این نامه ها فعلاً موجود نیست.

نماز امام زمان بر پیکر پدر

وی افزود: آخرین نامه هایی که امام حسن عسکری(ع) برای شهرهای عراق بوسیله نامه رسان خود نوشت این بود که به فردی از شیعیان نوشته بود ظاهراً بعد از ۱۵ روز دیگر وقتی که وارد سامرا می شوی، می بینی که مردم به داغ و مصیبت من نشسته اند و هم منتظر کسی هستند که بیاید و برای من نماز میت را بخواند. آن شخص می گوید وقتی از بصره به سمت سامرا برگشتم دیدم که مردم به سوگ امام نشسته اند و منتظرند که کسی بیاید بر پیکر مطهر امام حسن عسکری(ع) نماز بخواند. حضرت در نامه می فرماید آن کسی که جواب نامه ها را از تو مطالبه می کند و بر من نماز می خواند او امام بعد از من است. آن فرد می گوید امام را برای نماز آماده کردند جعفر کذاب برای خواندن نماز پیش آمد، تا خواست نماز را شروع کند کودک ۵ ساله ای آمد او را کنار زد و فرمود من به خواندن نماز بر پدرم سزاوارترم.

طبسی اظهار داشت: حضرت امام حسن عسکری چند نشانه و علامت برای امام زمان بیان فرمود و آن فرد که ابوالادیان نام

داشت وقتی از بصره برگشت همه این نشانه ها را مشاهده کرد.

حضرت امام هادی و امام حسن عسکری (ع) بخاطر شرایطی که داشتند همه کس را نمی توانستند بپذیرند. لذا ارتباط آن حضرت با شیعیان با نامه ها صورت می گرفت و نامه ها رد و بدل می شد.

وی افزود: حضرت امام هادی و امام حسن عسکری (ع) بخاطر شرایطی که داشتند همه کس را نمی توانستند بپذیرند زیرا دشمن آنها را اذیت می کرد. حتی بر کسانی که وارد بر امام می شدند دقت می کرد. لذا ارتباط آن حضرت با شیعیان با نامه ها صورت می گرفت و نامه ها رد و بدل می شد.

زمینه سازی امام عسکری(ع) برای غیبت

طبسی در مورد اینکه امام حسن عسکری (ع) چگونه مردم را با دوران غیبت امام زمان(عج) آماده کردند گفت: یکی از کارهای امام حسن عسکری(ع) این بود که مردم را برای پذیرفتن امام غایب آماده می کردند زیرا قبل از این همه امام را می دیدند و با امام صحبت می کردند و از این جهت مشکلی نداشتند اما بعد از سال ۲۶۰ ه. ق مردم با نبود امام کم کم آشنا شدند و این آشنایی قهرا و طبعا زمینه سازی ای می خواست که حضرت این کار را انجام دادند.

طبسی در ادامه گفت: یکی از آن زمینه سازی ها این بود که حضور امام حسن عسکری(ع) در میان مردم کمتر شد. مسئله عمدی هم بود که در نبود امام نیز می توان با امام اتصال برقرار کرد. لذا بسیاری از افرادی که می خواستند خدمت امام عسکری (ع) برسند امام آنها را نهی می کرد و می فرمود شرایط فعلا مناسب نیست. لذا بعضی از افرادی که می خواستند خدمت به امام حسن عسکری برسند امام در بین راه پیام رسانی فرستاد که برگردید و وارد سامرا نشوید.

یکی از مواردی که حضرت نسبت به آماده کردن مردم برای امامت امام زمان(عج) انجام داد همین بود که مردم کمتر با ایشان تماس پیدا کنند

وی افزود: یکی از مواردی که حضرت نسبت به آماده کردن مردم برای امامت امام زمان(عج) انجام داد همین بود که مردم کمتر با ایشان تماس پیدا کنند.

طبسی تصریح کرد: تماس های مردم هم این طور بود که بعد از امام حسن عسکری(ع) در غیبت صغری برای اتصال با امام زمان هیچ راهی نبود و این نایب هایی که در زمان خود امام حسن عسکری(ع) شخصیت های بسیار معروفی بودند، اینها را معین کردند تا در مدت زمانی با این وسیله با امام زمان(عج) ارتباط داشته باشند. آن هم با نامه و نه دیدار حضوری. و سپس غیبت کبری شروع شد خود امام حسن عسکری(ع) نسبت به نایبان عامشان که علما و فقهای زمان خود بودند آنها را به رشد رساندند که مردم اینها را شناختند از جمله همین ابن بابویه قمی است که حضرت امام حسن عسکری(ع) نامه مفصلی برای او می نویسد تا مردم او را بهتر بشناسند.

این محقق و پژوهشگر معارف دینی اظهارداشت: افرادی که در قم و غیر قم رشد پیدا کرده بودند افرادی مانند زکریا ابن آدم و دیگر شخصیت های عظیمی که در کنار اهل بیت (ع) بودند یا اشعری هایی که در کنار اهل بیت(ع) بودند شاگردان ائمه بودند اینها کم کم رشد پیدا کردند همه اینها زمینه ای شد برای اینکه مردم یاد بگیرند با نبود امام چگونه می شود زندگی کرد.

سامرا به چه معناست؟

طبسی در مورد شهر سامرا که شیخ عباس قمی آن را «سَرَّ مَن رَای» خوانده است گفت: من نمی دانم این «سَرَّ مَن رَای» را چه کسی آورده است در روایت ها همه سامرا است کلمه سَرَّ مَن رَای در روایات نیست هنوز شهر سامرا ساخته نشده بود کلمه سامرا در روایات آمده بود. بنابراین باید گفت سامرا. سَرَّ مَن رَای شاید به خاطر این است که این شهر، شهر با صفا و هوای پاک بود. درختان بسیاری داشته و در ورودی های سامرا یک نهر است که سدی بر آن زدند. خود آن نهر شهر را به شهر زیبا تبدیل کرده بود لذا هر کس این شهر را می دید خوشحال می شد سَرَّ مَن رَای از این جهت است که هر کسی این شهر را می دید خوشحال می شد. البته سامرا شهری نبود که اهل بیت (ع) در آن خوش باشند و امام هادی اجبارا به سامرا کشیده شد. ۲۰ سال امام هادی (ع) در سامرا در حصار متوکل و عباسی ها بودند. قطعا امام حسن عسکری(ع) که در این شهر بیش از ۲۰ سال حضور داشتند، بیشتر در زندان بودند یا در حصر خانگی بسر می بردند.

دو گروه مأمور به از بین بردن اسلام در زمان دو امام پایانی

حجت الاسلام کاشانی در مورد شرایط امام عسکری گفت: یکی از مهمترین مسائل دوران امام پایانی شیعه قبل از حضرت حجت این است که یادگاران قد علم کردند. در دوران امام هادی و امام عسکری کسی جرأت نمی کرد با دشمنان به امام در فضاهای درون شیعه رشد بکند، او را تکه تکه می کردند. اما عده ای بودند که می خواستند اسلام را از بین ببرند، دو گروه این کار را کردند، یک گروه رسماً از طرف حکومت، یک گروه هم افرادی که به دنبال ریاست خود بودند.

علت مطرح شدن غلو

وی افزود: اینها مجبور بودند ماجرای غلو را مطرح بکنند، چرا؟ شما می خواهید یک شخص مشهور را دعوت بکنید، من می گویم، من با برادر او هم دوست هستم، تا شما به من اعتماد بکنید. چون شیعه شبکه ای اداره می شد. روستا خمس خود را به وکیل در شهر می دادند، یک عده ای این وسط پیدا می شدند، می گفتند: ما ابواب امام هستیم. چون می خواست بگوید ما ابواب امام هستیم.

علت نسبت اولوهیت دادن به ائمه از طرف دشمنان

وی ادامه داد: آن گروهی که از طرف حکومت بودند، چند ویژگی داشتند. یکی اینکه به اهل بیت (علیهم السّلام) نسبت الوهیت

می‌دادند. یکی از دلایل این بود که تبلیغ اهل بیت در جامعه محدود بشود. وقتی شما می‌بینید ممکن است شما را به الوهیت نسبت بدهند، نقل فضایل با احتیاط صورت می‌گیرد و این فضایل آن روز کارکرد داشت. چون جریان تشیع به شدت رو به گسترش بود. یعنی جمعیت شیعه در دوران امام عسکری قابل قیاس با دوران امام صادق نیست. از مصر، خراسان، از آفریقا تا هند حضرت شیعه دارد. جمعیت زیاد است. لذا این‌ها برای این‌که امام را تخریب نکنند و در بین اهل سنت امام را بد نام نکنند به امام نسبت الوهیت می‌دادند.

کاشانی گفت: کار دیگری که می‌کردند این بود که برای این‌که بتوانند رقابت نکنند، خدمات می‌دادند. می‌گفتند اگر حب امام عسکری داشته باشی نیاز نیست نماز بخوانی. نماز برای چیست؟ نماز سلم سماوات است معراج مؤمن است، می‌خواهی بالا بروی. وقتی می‌خواهی به پشت بام بروی نردبان می‌خواهی که روی پشت بام بروی. پشت بام رفتی که دیگر نردبان نمی‌خواهی. لذا می‌گفتند: اگر من باب باشم، نماز تعطیل است!

مسئله اباحه گناهان از سوی ابواب

برخی می‌گفتند حب امام عسکری دریا است، دریا به قطره نجسی نیالاید. قطره شراب در لیوان آب قلیل نجاست ایجاد می‌کند نه در دریا. لذا شما می‌بینید که این‌ها در تبلیغات خود اباحه گناهان را هم ایجاد کردند.

وی گفت: مسئله سوم اباحه گناهان بود. می‌گفتند حب امام عسکری دریا است، دریا به قطره نجسی نیالاید. قطره شراب در لیوان آب قلیل نجاست ایجاد می‌کند نه در دریا. لذا شما می‌بینید که این‌ها در تبلیغات خود اباحه گناهان را هم ایجاد کردند. می‌گفتند برای این‌که من باب امام هستم، خود من عصمت دارم، اصلاً او اگر خدا است، من نبی هستم. اگر او خدا است، من امام هستم، کرامت دارم.

ایجاد فتنه در تشخیص ابواب امام

وی ادامه داد: لذا فتنه عظیمی در شیعه ایجاد کردند. در این شرایط مردم نمی‌دانستند آیا این فرد نماینده امام است یا نیست. از درون اهل بیت هم نمونه‌های فراوانی این ادعا را داشتند که حالا روی یکی دو نفر از این‌ها تمرکز می‌کنیم. این‌ها هم شروع به تبیین و تبلیغ کردند.

وی ادامه داد: در شرایط امام عسکری تبلیغ مشکل است، ارتباط مردم قطع است. حضرت عبدالعظیم خدمت امام جواد(ع) آمد. او از مطلعین است. آمد به امام جواد عرض کرد: شما آن امام زمانی هستی که غایب می‌شوی؟ شما ببینید چه دوران مشقت‌باری است. وقتی حضرت عبدالعظیم این سؤال را می‌کند، شما ببینید شیعیان چه وضعی دارند. امکان ارتباطی سخت است. در این شرایط رفتاری که اهل بیت تصمیم گرفتند انجام بدهند، چند تا نکته مهم بود.

معرفی کردن باب‌ها به مردم از سوی امام

وی افزود: راهکاری که برای ابواب دروغین بود، این بود که اهل بیت اول سعی می‌کردند نامه بدهند و مردم را مطلع نکنند و این‌ها را لعن نکنند. ولی این خیلی اثر نداشت. چون نامه‌ای که می‌آمد، لزوماً به دست خط امام نبود، دردوران تقیه است. مردم نمی‌دانستند این نامه امام است یا به اسم امام جعل شده است. حداقل جای ابهام باقی می‌ماند، لذا طرفدارهای آن جریان می‌گفتند برای این‌که ما را بد نام نکنند، دارند بی‌جهت علیه ما شب نامه منتشر می‌کنند.

دستور اعدام ابواب دروغین توسط امام هادی و امام عسکری(ع)

وی در پایان گفت: در چند نمونه امام هادی و امام عسکری بعد از این‌که دیدند تخریب و تبلیغ علیه این‌ها فایده‌ای ندارد، دستور اعدام این‌ها را صادر کردند. البته به این ترور نمی‌گویند، این اعدام مهدور الدّم است منتها چون امام بسط ید ندارد، حکومت در اختیار او نیست، به این صورت دستور اعدام می‌دادند.